

بایسته‌های اسلامی بازنمایی شخصیت زن در فیلم و سریال

چکیده

با توجه به نقش انکارناپذیر تولیدات رسانه‌ای نمایشی در ترویج الگوهای جنسیتی و نیز اهمیت جایگاه زن و خانواده در فرهنگ دینی، تأمل و دقت نظر در کیفیت بازنمایی الگوی شخصیتی زن در چنین تولیداتی ضروری به نظر می‌رسد. بازنمایی درست رسانه‌ای از نظرگاه اسلامی، مستلزم پیوند مؤلف و متن او با حقیقت است، حقیقتی که مشتمل بر «هست‌ها» و «بایدها» بوده، دست‌یابی به آن جز از طریق تأمل عالمانه در کتاب و سنت ممکن نیست. این پژوهش کاربردی در همین راستا کوشیده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و قیاس عملی، پس از فهم نظام‌وار شخصیت مطلوب زن در نگاه اسلامی و با در نظر داشتن اقتضائات فنی و هنری تولید فیلم و سریال، بایسته‌های حرفه‌ای بازنمایی شخصیت زن در چنین آثاری را به دست آورد. نتیجه این واکاوی ۵۰ گزاره‌واره انشایی است که در سه بعد توصیفی، ارزشی و حقوقی و در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی و ارائه شده است.

واژگان کلیدی: بازنمایی، شخصیت زن، اسلام، فیلم، سریال.

سیدحمید میرخندان

عضو هیأت علمی دانشکده صدا و سیما- قم

h.mirkhandan@yahoo.com

محمدهادی قره‌داغی (نویسنده مسئول)

دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد ارتباطات از دانشکده صدا و سیما- قم

m.gh@qomirib.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

۱. مقدمه

رسانه‌های جمعی از مهمترین عوامل انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در جوامع جدید به‌شمار می‌آیند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۸). توجه به این نکته، اهمیت نظارت و ارزشیابی در امر تولید محتوای رسانه‌ای را از سوی مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی - به‌ویژه در جوامع دینی - به خوبی روشن می‌سازد. کیفیت بازنمایی جنسیت در آثار نمایشی، که از محبوب‌ترین و پر حجم‌ترین محصولات رسانه‌ای به‌شمار می‌روند، از جمله مهم‌ترین مسائل مطرح در این زمینه است، تا جایی که برخی اندیشمندان رسانه، در مقام انتقاد از نحوه بازنمایی جنسیت، مفهوم «سیاست بازنمایی» را طرح کرده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). با این حال، رویکرد صاحب‌نظران رسانه در این باره اغلب فمینیستی است و بازنمایی جنسیت از منظر دینی کمتر مورد توجه آنان بوده است (تاچمن، دانیلز و بنت، ۱۹۷۸، مالوی، ۲۰۰۶). اگرچه برخی پژوهشگران مسلمان کوشیده‌اند، بازنمایی جنسیت در آثار سینمایی را در تطبیق با معیارهای اسلامی بررسی و نقد کنند (جعفریان ۱۳۹۰؛ اسماعیلی، ۱۳۹۳)، اما تاکنون تحقیقی بایسته پژوهانه که بتوان آن را الگویی عملی برای تولید و نقد آثار نمایشی رسانه‌ای در نظر گرفت، صورت نگرفته است.

تأمل توأمان در معارف اسلامی و اقتضائات خاص رسانه و بالمآل، ارائه مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها برای به تصویر کشیدن شخصیت‌ها، به‌ویژه در نقش‌های مثبت و یا قهرمان، گامی اساسی در جهت‌دهی و صحیح‌تلقی عمومی جامعه اسلامی از شخصیت مطلوب و بهنجار هر یک از دو جنس زن و مرد خواهد بود. در این میان، با ملاحظه جایگاه ویژه زن و خانواده در فرهنگ دینی، تأمل و دقت نظر در کیفیت بازنمایی الگوی شخصیتی زن در چنین تولیداتی از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است.

پژوهش کاربردی حاضر بر آن بوده است که با توجه به اقتضائات فنی و هنری آثار نمایشی، به‌مثابه محصولاتی پرمخاطب و مؤثر در الگوسازی جنسیتی، بایسته‌های بازنمایی شخصیت مطلوب زن را در آنها از متون اصیل اسلامی به‌دست آورد.

برای رسیدن به هدف پژوهش دو مرحله طی شده است. نخست، شخصیت زن از منظر اسلام با مراجعه به آیات و روایات معتبر و مرتبط و نیز آرای تفسیری اندیشمندان مسلمان به دقت توصیف و تحلیل شده است. در گام دوم و برای استنتاج بایسته‌های بازنمایی شخصیت زن بر این اساس و با در نظر داشتن عناصر فنی شکل‌دهنده یک فیلم^۱، از دو بار قیاس عملی بهره‌گیری شده است.^۲ قیاس اول: الف) شخصیت زن در بعد توصیف، ارزش و یا حقوق چنین است، ب) شخصیت زن باید آنچنان که هست بازنمایی شود. **نتیجه:** شخصیت زن باید چنین بازنمایی شود. قیاس دوم: الف) بازنمایی رسانه-ای این بعد شخصیت چنین اقتضایی را از نظر رسانه‌ای دارد. ب) اقتضای رسانه‌ای باید در نظر گرفته شود. **نتیجه:** این بعد شخصیت باید با توجه به اقتضای رسانه‌ای اش بازنمایی شود. هر گزاره انشایی حاصل شده در بخش یافته‌ها در واقع محصول این دو قیاس است، اگرچه به جهت محدودیت مقاله به هر کدام از آنها با تک تک مقدماتشان تصریح نشده است.

این پژوهش در واقع، مسیر معکوس نشانه‌شناسی^۳ را پیموده و با حرکت از حقایق و واقعیت‌ها به سمت نشانه‌ها کوشیده است شخصیت حقیقی زن را از زبان دین به زبان فیلم ترجمه کند.

۲. ملاحظات نظری پژوهش

۲-۱. مفهوم بازنمایی

«بازنمایی» در ادبیات رسانه‌ای، مشعر به نسبت معنا با مولف، مخاطب و فرهنگ اجتماعی است. رویکردهای مطرح در زمینه بازنمایی را تحت سه عنوان «بازتابی»، «نیت‌گرا» و «برساختگرا»، دسته‌بندی کرده‌اند. رویکرد نخست معنا را در خود شیء و یا رویداد خارجی می‌داند و بر آن است

^۱ مهم‌ترین عناصر فنی تولید فیلم و سریال عبارتند از: بازیگران (انتخاب، نام، رفتار، چهره‌پردازی و لباس)، گفتارها، صحنه‌پردازی، نورپردازی و تصویربرداری.

^۲ تفاوت اصلی قیاس «عملی» با «نظری» در آن است که در قیاس نظری، از دو گزاره مقدماتی از نوع هست و نیست، گزاره‌ای از نوع هست و نیست (توصیفی) استنتاج می‌شود، درحالی‌که در قیاس عملی، از یک گزاره مقدماتی از نوع هست و نیست و گزاره‌ای دیگر از نوع باید و نباید، گزاره‌ای از نوع باید و نباید (تجویزی) استنتاج می‌شود (باقری، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۷).

^۳ نشانه‌شناسی (semiology) علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای مانند زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۳). هدف از تحلیل نشانه‌شناختی معلوم ساختن لایه‌های معانی رمزگذاری شده موجود در ساختار متن است (Fiske, ۱۹۸۷, p ۴).

که کاربر زبان آینه‌وار، معنای راستین را آنچنان که در جهان واقع هست باز می‌تاباند. در رویکرد دوم، معنا در ذهن مؤلف است و او معنای منحصر به فرد خود را از طریق زبان بر جهان تحمیل می‌کند. نگاه سوم به بازنمایی مدعی است که اشیا و کاربران فردی زبان هیچ یک نمی‌توانند معنا را در زبان تعیین و تعریف کنند؛ اشیا معنا ندارند و این فرهنگ عمومی است که با استفاده از نظام‌های بازنمایی (مفاهیم و نشانه‌ها) معنا را می‌سازد (Hall, 1997: 24-25).

استوارت هال^۴ قابلیت درک ما از افسانه‌ها را ناقص رهیافت بازتابی می‌داند؛ چون دریافت معنای آنها در حالی رخ می‌دهد که واقعیتی در خارج وجود ندارد. او همچنین، محدودیت‌های زبان در انتقال مقصود شخصی مؤلف را دال بر بطلان نگاه نیت‌گرا دانسته، رویکرد برساخت‌گرایانه را متعین فرض می‌کند (Hall, 1997: 24-25).

به نظر می‌رسد رأی مختار هال در بازنمایی رسانه‌ای دست کم با دو اشکال بنیادین روبروست. نخست اینکه این سخن اگر در زبان و متون گفتاری و نوشتاری صادق باشد، بر متون تصویری قابل تطبیق نیست. دلایل این مدعا را چنین می‌توان برشمرد:

۱. فرهنگی بودن معنا در دلالت‌های تصویری تصریحی، بی‌مفهوم است.
 ۲. برخی دلالت‌های تصویری تلویحی نیز اموری فرا فرهنگی و بشری‌اند، مانند دلالت نمادین نور و برخی رنگ‌ها.
 ۳. همچنین، برخی دلالت‌های تصویری تلویحی نه فرهنگی‌اند و نه فرا فرهنگی، بلکه شخصی و خاص یک مؤلف و متن او هستند، مانند برخی موتیف‌ها در یک فیلم مشخص (مشکات، ۱۳۸۸).
- دوم آنکه با پذیرش این رأی، اساساً معیاری برای سنجش اصالت بازنمایی‌های رسانه‌ای باقی نخواهد بود؛ چراکه با اعتقاد به برساختی بودن معنا، سخن گفتن از صدق و کذب متن و تعهد آن به حقیقت بی‌معنا خواهد بود.

از نگاه اندیشمندان مسلمان، واقعیات نفس‌الامری (حقایق) اموری اصیل‌اند و علاوه بر واقعیات خارجی، امور اعتباری (بایدها و نبایدها) را نیز شامل می‌شوند. آنان همچنین بر این باورند که مقصود و مراد جدی مؤلف با استفاده از اصول محاوره عقلایی قابل کشف است (واعظی، ۱۳۹۰).

^۴ Stuart Hall

بنابراین و در نگاهی سازگار با اندیشه اسلامی می توان گفت: اولاً واقعیات نفس الامری (حقایق) وجود دارند، ثانیاً مؤلف می تواند به آنها دست یافته، به میزان نسبتی که با آنها برقرار کرده، از آنها حکایت گری کند و ثالثاً مخاطبان می توانند به مقصود او آگاهی یابند، اگرچه در سطوحی ناهمگون. با توجه به آنچه ذکر شد، بازنمایی درست رسانه ای مستلزم پایبندی مؤلفان به حقیقت است و لازم است آثار هنرمندان و فیلمسازان نیز در نسبت با حقایق عالم (اعم از هست ها و بایدها) سنجش و ارزیابی شوند.

۲-۲. مفهوم شخصیت

در این پژوهش با توجه به هدف آن، طبعاً از هویتی مشترک، برای زن از آن نظر که زن است بحث می شود و افراد و شخصیت های متعین خارجی، آنچنان که مدنظر روانشناسی و علوم مشابه آن^۵ است، از دایره سخن بیرون است. در واقع «شخصیت» مدنظر در این پژوهش، تا حد زیادی با مفهوم «هویت جمعی» قرابت دارد.^۶ بارزترین فرق میان هویت «فردی» و هویت «جمعی» در آن است که اولی بر «تفاوت»ها، و دومی بر «شباهت»ها تأکید دارد (جنکینز، ۱۳۹۱: ۳۴).

بر این اساس، منظور از شخصیت در این نوشتار، هویت جنسیتی^۷ مطلوبی است که براساس تکوین الهی تعریف می شود و در حوزه های فردی، خانوادگی و اجتماعی، مقتضی نظام ارزشی و حقوقی ویژه ای است.

۲-۳. شخصیت زن در اسلام

درک درست شخصیت مطلوب زن از نگاه اسلام تنها در چارچوب نظامی سازوار و منسجم امکان پذیر است. از میان گزاره های و حیانی وارد شده در این باب، آنچه مربوط به توصیف زن و ویژگی های تکوینی اوست ریشه و اساس گزاره های ارزشی^۸ و حقوقی به شمار رفته، فهم صائب آنها را میسر می کند. براساس دو اصل توصیفی «اشتراک در ارزش انسانی با مرد» و «تفاوت در

^۵ شخصیت در روانشناسی مجموعه سازمان یافته و واحدی است متشکل از خصوصیات به نسبت ثابت و مداوم که یک فرد را از فرد دیگر متمایز می کند. (شاملو، ۱۳۷۴) تعاریف جامعه شناسان نیز کمابیش مشتمل بر چنین ویژگی هایی، با تأکید بیشتر بر بعد اجتماعی شخصیت است (نک: اسمینوف، ۱۳۵۲).

^۶ اگرچه مفهومی است مبتنی بر نسبییت فرهنگی، و از این جهت با مقصود ما بیگانه است.

^۷ هویت جنسیتی را از جمله فراگیرترین هویت های جمعی به شمار آورده اند (حاتمی و مذهبی، ۱۳۹۰).

^۸ منظور ما از ارزش، معنایی اعم از ویژگی های مثبت خدادادی، اخلاقی و وجودی است.

ویژگی‌های بدنی و روانی، نظام «ارزشی» و «حقوقی» زن نیز در دو حوزه «فردی» و «اجتماعی» (به معنای اعم) از یکدیگر تفکیک می‌شود. براساس اصل نخست، ارزش‌ها، حقوق و مسئولیت‌های او در حوزه فردی با مرد مشترک خواهد بود؛ و براساس اصل دوم، ارزش‌ها، حقوق و مسئولیت‌هایی بعضاً متفاوت در حوزه اجتماعی خواهد داشت. حکمت تفاوت‌های تکوینی و بالمآل ارزشی و حقوقی را تنها با ملاحظه نیازهای اجتماعی بشر و لزوم ایفای نقش‌های گوناگون برای بقای حیات و نیل به تعالی مادی و معنوی می‌توان درک کرد.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. بعد توصیفی نظام شخصیت زن و بایسته‌های بازنمایی آن

۳-۱-۱. ارزش انسانی مساوی با مرد

قرآن کریم زن و مرد را از «نفس واحده» دانسته است (نساء، ۱)؛ در معرفی اسوه‌های ایمان نیز گاهی به مردان بزرگ و گاه به بزرگ زنان موحد و پارسا اشاره کرده (آل عمران، ۴۵ - ۳۷؛ تحریم، ۱۱) و آنان را الگوی تمام مؤمنان و نه تنها زنان مؤمن معرفی کرده است (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۵۵). بنابراین در اندیشه اسلامی، زن و مرد در اصل «انسان بودن» مساوی‌اند و وجود جنسیت دوگانه بر مبنای حکمت الهی درک می‌شود.

درباره ضعف عقلانی زن نسبت به مرد نیز دلیل استواری در آموزه‌های اسلامی یافت نمی‌شود. اگرچه روایات معدودی دال بر «نقصان عقلی» زن نسبت به مرد وجود دارد، بسیاری از اندیشمندان اسلامی دلالت ظاهری آنها را نپذیرفته، هر یک به نحوی درصدد رد و یا توجیه آنها برآمده‌اند (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹). از جمله، علامه فضل‌الله ضعف عقلی زنان را به کلی مردود، و گزارش قرآن از ماجرای ملکه سبا را دال بر قوت عقل، بلکه برتری عقلانی زنان می‌داند (فضل‌الله، ۱۳۸۳: ۲۲).

۳-۱-۲. بایسته‌ها:

۳-۱-۲-۱. **بازیگران:** لورا مالوی معتقد است که بازیگران زن در آثار نمایشی، برای قوی‌ترین تأثیر بصری و شهوانی رمزگذاری شده‌اند و همزمان منظور شهوانی بازیگران مرد و مردان تماشاگر قرار می‌گیرند (Mulvey, 2006: 346). نقد مالوی حکایتگر این واقعیت است که زنان در بسیاری تولیدات نمایشی، از جایگاه انسانی خویش دور شده و تنها در جهت ارضای امیال جنسی

مردان به کار گرفته می شوند. بی مبالاتی در پردازش رمزهای مذکور می تواند علاوه بر زمینه سازی برای بی بند و باری جنسی، انسانیت زن را در نگاه بیننده مخدوش کرده، او را به کالایی کم ارزش تبدیل کند. بر این اساس، چهره پردازی، لباس و رفتار بازیگران زن باید از هرگونه تأکید بر جاذبه جنسی مبرا باشد. رفتار آنان نباید در پخت و پز، آرایش و ارائه خدمت به مردان خلاصه شود، نکته ای که برخی اندیشمندان فمینیست نیز بر آن تأکید کرده اند (ون زونن، ۱۳۸۳: ۱۷۱). مطالعه، عبادت، برنامه ریزی و حل مسئله از جمله اموری است که باید در رفتار بازیگران زن به چشم بیاید.

۲-۲-۱-۳. گفتارها: گفتار شخصیت های زن نباید به حرف های کم ارزش محدود شود. در واقع، تفاوت دیالوگ های زنانه و مردانه منحصر در پیوست عاطفی گفتار زنان است و نه در سست و بی منطق بودن آنها. گفتار بازیگران نباید متضمن برتر دانستن جنس پسر بر دختر باشد. روشن است که بیان این سخنان از زبان شخصیت های منفی می تواند به گونه ای طرد و رد چنین افکاری به شمار آید، به ویژه آنکه مورد ملامت شخصیت های مثبت داستان نیز واقع شوند.

۳-۲-۱-۳. صحنه پردازی: وسایل موجود در اتاق شخصی زنان غیرمنفی فیلم نباید به زیورآلات، آینه و اسباب آرایش محدود باشد؛ چون موجب این تلقی خواهد بود که دلمشغولی اصلی زنان ظواهر است و با مظاهر خردورزی و رشد معنوی بیگانه اند. کتابخانه، میز تحریر، سجاده و کتب ادعیه، بسته به اقتضات قصه، از جمله وسایل بایسته برای مکان زندگی زنان غیرمنفی داستان - اعم از مثبت و خاکستری - است.

۴-۲-۱-۳. تصویربرداری: تصویربرداری بالا به پایین از شخصیت، او را بی اهمیت، حقیر و ناتوان نشان می دهد، احساسی که با فاصله گرفتن بیشتر دوربین تشدید می شود (میلرسون ۱۳۶۷: ۶۸؛ دیک، ۱۳۹۱: ۱۰۴). بنابراین، فراوانی چنین نماهایی از شخصیت های زن نباید در مجموع بر تصاویر این چینی از مردان فزونی داشته باشد. تکرار چنین تکنیکی می تواند به شکل گیری تصور نادرست مخاطب از ارزش وجودی زن منجر شود. همچنین قاب بندی تصاویر نباید بر جاذبه های جنسی زنان تأکید ورزیده، انسانیت آنان را به نفع لذت جویی مردان نادیده بگیرد.

۳-۱-۳. تفاوت‌های جسمی و روانی با مرد

اگرچه از دیدگاه اسلامی، زن و مرد در «ارزش انسانی» یکسانند، تفاوت‌های تکوینی غیرقابل‌انکاری نیز دارند. در تعالیم اسلامی اشارات فراوانی به این تفاوت‌ها شده است. از جمله قرآن کریم ضمن طرح مسئله قاعدگی زنان و آثار جسمانی و روانی آن، مردان را به رعایت حال آنان توصیه کرده است (بقره، ۲۲۲). آیه هجدهم سوره زخرف نیز مشعر به احساسات و عواطف فراوان زنان است که منشأ میل و علاقه شدید آنان به زینت‌ها و نیز ناتوانی آنان در بیان مقصود به‌هنگام جدال و هیجان است (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۱). پیامبر اکرم (ص) بر تأثیر عاطفی زنان چنین تأکید می‌کند: «این سخن مرد به زن که «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳) امام علی (ع) نیز در نامه‌ای به فرزندشان، ضمن تشبیه جنس زن به «گل»، فرزندشان را از امر و نهی به زنان و انتظار کارگزاری از آنان برحذر می‌دارند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

۳-۱-۴. بایسته‌ها

۳-۱-۴-۱. **بازیگران:** گزینش بازیگرانی با ویژگی‌های جسمی و رسانه‌ای خاص، از جمله ابزارهای تثبیت نگاه‌های ایدئولوژیک سازندگان فیلم به‌شمار می‌آید (Fiske, 1987: 6). انتخاب زنی با چهره و جثه‌ای مردانه برای نقش قهرمان، بر تلقی دختران جوان از الگوی مطلوب زنانگی اثر منفی خواهد داشت.

رفتار بازیگران نیز باید مبین تفاوت‌های زیست‌شناختی زن و مرد باشد. زنان و مردان نباید به‌طور یکسان در مشاغل چون پلیس و یا آتش‌نشان دیده شوند. کنش‌های عاطفی، هیامندانه و خودآرایانه در شخصیت‌های زن باید برجسته باشد. چهره‌پردازی و لباس بازیگران زن و مرد باید مرزی آشکار با یکدیگر داشته باشد. تشابه ظاهری مردان به زنان و بالعکس؛ مقدمه‌ای بر انتظارات مشابه از آنان و نفی تفاوت‌های جنسیتی است.

۳-۱-۴-۲. **گفتارها:** لازم است گفتار بازیگران غیرمنفی از انکار تفاوت‌های تکوینی مرد و زن عاری بوده، در صورت اقتضای داستانی، در خدمت تبیین مؤثر این تفاوت‌ها نیز قرار گیرد. به‌عنوان مثال، در سریال «خانه سبز» یکی از شخصیت‌های مثبت زن که توسط شوهرش مورد بی‌مهری و ستم واقع شده، در دادگاه خانواده و در حالی که اشک از دیدگانش جاری است، می‌گوید: «نمی‌دونم چرا ما زنا هر وقت که باید حرفمونو بزنیم، گریه‌مون می‌گیره.»

۳-۲. بعد ارزشی نظام شخصیت زن و بایسته‌های بازنمایی آن

۳-۲-۱. ارزش‌های فردی زن

از آنجا که شخصیت فردی زن منبعث از گوهر انسانی وجود اوست و فارغ از تفاوت‌ها و ملاحظات اجتماعی تعریف می‌شود، بی‌هیچ اختصاصی با جنس مرد همسان است.

۳-۲-۱-۱. **ایمان:** قوت ایمان از ارزش‌های والای انسانی است و به جنسیت خاصی مقید نیست. قرآن کریم چنان که گذشت، با ذکر مردان و زنانی مؤمن و قهرمان، آنان را اسوه‌های شایسته‌سایرین دانسته است. به علاوه، در روایات نیز بر برتری ارزش ایمان و تدین زن بر هر ارزش دیگر او تأکید شده است. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۳۳)

۳-۲-۱-۲. **دانشوری:** اسلام نه تنها جنسیت را مانع کسب دانش ندانسته، که تمام مسلمانان را اعم از مرد و زن به آن توصیه و تشویق کرده است. قرآن کریم مؤمنان را در استفهامی انکاری به فضل دانش توجه می‌دهد (زمر، ۹). پیامبر اکرم (ص) نیز خواب عالمان را از عبادت عابدان برتر (مجلسی، ۱۴۰۴ ب: ۲۵) و طلب علم را بر هر مرد و زن مسلمانی واجب دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ۱۷۷).

۳-۲-۲. بایسته‌ها

۳-۲-۲-۱. **بازیگران:** چهره‌پردازی و لباس برای نقش‌های مثبت زن باید حاوی نشانه‌های خداواری و دانشوری باشد. آرایش جالب توجه، لباس نامتعارف و پوشش حداقلی بدن برای چنین کاراکترهایی، از جمله ممنوعیت‌هاست.

رفتار شخصیت مثبت زن باید حاکی از دانش و ارزش باطنی او باشد. ادای فرایض دینی و مندوبات اخلاقی، مطالعه کتاب و ارتباط با مراکز آموزشی حوزوی و دانشگاهی از جمله رفتارهای بایسته برای اوست.

۳-۲-۲-۲. **گفتارها:** گفتار شخصیت‌های مثبت نباید از مفاهیم دینی عاری یا مبتلا به گناهان زبانی باشد. همچنین گفتار آنان نباید جهالت مآبانه قلمداد شود.

۳-۲-۲-۳. **صحنه‌پردازی:** تأثیر محل زیست آدمی بر سبک زندگی او غیرقابل چشم‌پوشی است. مکان زندگی شخصیت‌های مثبت و یا قهرمان باید به دور از تجمل بوده، نشانه‌هایی از ابزار عبادت و تحصیل در بر داشته باشد.

۳-۲-۳. ارزش‌های خانوادگی زن

خانواده از منظر اسلام، رکن بنیادین اجتماع است؛ چون کانون آرامش و عفت مرد و زن و مهد بی‌بدیل رشد و تعالی نوع انسان به‌شمار می‌آید. گذشته از دو ارزش فردی «ایمان» و «علم»، ارزش‌های دیگری در روایات برای زن طرح شده‌اند که در ارتباط با سلامت و دوام کانون خانواده معنا می‌یابند. اصالت و کرامت خانوادگی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۵ و ۲۹)، عفاف و پاکدامنی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹)، مهربانی و خودآرایی برای همسر (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹ و ۳۳)، فرزندآوری (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۳)، زیبارویی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱ و ۵۹)، فرمانبری و التزام به رضایت همسر (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۲ و ۳۹)، یآوری در امور دین و دنیای همسر (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۲۷)، کم‌هزینه بودن در ازدواج و زندگی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۵۳؛ نوری طبرسی ۴۰۸: ۱۶۲)، برعهده‌گیری امور داخلی منزل در تقسیم کار (مجلسی، ۱۴۰۴ ج: ۸۱) و توانایی مهار غیرت (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۶) از جمله مهم‌ترین ارزش‌های مذکور به‌شمار می‌آیند.

۳-۲-۴. بایسته‌ها

۳-۲-۴-۱. **بازیگران:** در انتخاب بازیگران اصلی و چهره‌پردازی آنان، به‌ویژه برای شخصیت‌های مثبت و قهرمان، اغلب به نکات زیبایی‌شناختی و جذابیت‌های بصری توجه می‌شود. اگرچه از منظر دینی، «زیبایی» برای زن ارزشی خانوادگی است، تأکید بر این موضوع در آثار نمایشی ممکن است با ایجاد حس مقایسه در مردان به استحکام خانواده‌ها لطمه وارد کند و یا با ایجاد حس رقابت در زنان، آنان را به وادی پرآسیب مدیریت بدن و جراحی‌های پلاستیک بکشاند.

رفتار بازیگران غیرمنفی نباید دال بر بی‌ارزشی و یا محنت‌باری فرزندآوری و تربیت کودک باشد. رفتار بازیگر نقش مثبت زن و اطرافیان او باید حاکی از کرامت نفس و عزت او نزد خویشان باشد. رفتار او باید نسبت به مردان بیگانه همراه با عفاف و استحياء بوده، نسبت به شوهر و فرزندان با لطف و مهربانی همراه باشد. خودآرایی و دلربایی شخصیت زن برای شوهر از جمله ارزش‌هایی است که در انعکاس رسانه‌ای قدری دشوار به‌نظر می‌آید. نمایش چنین رفتاری باید همراه با ترفندهای هنری و به دور از تصریح باشد.

شخصیت مثبت زن در زندگی خانوادگی اش و در محدوده شرع، باید مطیع همسر و ملتزم به رضایت او باشد. رفتار او باید بیانگر یاری و غم‌خواری برای همسر بوده، از جبهه‌گیری و منازعه با او پرهیزد. رفتار او باید حکایتگر روحیه قناعت و اقتصاد در هزینه کرد زندگی باشد. بایسته است رسیدگی به امور منزل بخشی از فعالیت‌های روزانه او باشد، اما این فعالیت‌ها نباید در پخت و پز و کارهای معمول خانه محدود شود. اگرچه نظریه پردازان فمینیست نیز به محدودسازی نمایش زنان در کارهای خانه انتقاد کرده‌اند، اما انتقاد آنها در سویه‌ای افراطی و در جهت اثبات ارزش مطلق کار بیرون از خانه طرح شده است. به نظر تاجمن، الگوهایی که رسانه‌ها ارائه می‌کنند، محدودکننده و دست و پاگیرند و رشد دختران و زنان و تبدیل شدنشان را به انسان‌های کامل و کارگرانی که از لحاظ اجتماعی ارزشمندند، به مخاطره می‌اندازند (ون زونن، ۱۳۸۳: ۱۷۲). او چنان که تصریح می‌کند، کمال انسانی زن را در تبدیل شدنش به کارگری مانند مرد می‌داند.

از جمله رفتارهای بایسته شخصیت زن مثبت، مهار حسادت و غیرت زنانه است. اگر چه احساس اندوه قلبی از ازدواج مجدد شوهر امری غیراختیاری است؛ اما توانایی مهار این احساس و جلوگیری از بروز خشم و کینه نسبت به شوهر و زن تازه وارد از ارزش‌های اسلامی به‌شمار رفته است.

۲-۴-۲. **گفتارها:** ارزش‌های خانوادگی زن می‌تواند در ضمن موقعیت‌هایی مانند پیشنهاد ازدواج و مشورت‌های پیش از آن در گفتگوی شخصیت‌ها به‌خوبی برجسته شود. گفتگوی شخصیت‌های غیرمنفی نباید حاوی تضعیف و استهزاء فرزندپروری، انجام کار منزل، التزام به رضایت شوهر و یا مشتمل بر سرزنش زنانه باشد که در برابر ازدواج مجدد شوهرشان راه مسالمت پیش گرفته‌اند.

۳-۴-۲. **صحنه‌پردازی و نورپردازی:** اگرچه سکانس‌های مربوط به شخصیت‌های زن نباید محدود به فضاهایی چون خانه و آشپزخانه باشد، همین حضور نیز نباید در مکان‌هایی تنگ، تاریک و قفس مانند اتفاق بیفتد.

۴-۴-۲. **تصویربرداری:** نحوه تصویربرداری نیز می‌تواند در القای حس منفی و یا مثبت از نقش زن در مربی‌گری کودک و یا انجام کارهای خانه مؤثر باشد. قاب‌بندی‌های مکرر بسته و محدود از چهره شخصیت زن خانه‌دار به‌هنگام رسیدگی به کودک به انضمام کنش‌های خاص او، رمزهایی برای نمایش گرفتاری و نگون بختی او در این ماجراست. قاب‌بندی خاص قامت زن در چارچوب خانه، به‌ویژه با وجود خطوط عمودی (مثل سایه نرده‌های پنجره) می‌تواند او را اسیری در زندان مردسالاری نشان دهد (ن.ک: دیک، ۱۳۹۱).

۳-۲-۵. ارزش‌های اجتماعی زن

۳-۲-۵-۱. **حضور اجتماعی عقیفانه:** قرآن کریم از حضور عقیفانه دختران حضرت شعیب (ع) در اجتماع به نیکی یاد می‌کند (قصص، ۲۶-۲۳) و هرگونه خودنمایی و جلب نظر را از ویژگی‌های زنان جامعه جاهلی برمی‌شمارد (احزاب، ۳۳). قرآن کریم همچنین، زنان با ایمان را به پوشاندن بدن و زینت‌های غیرظاهر آن در برابر نامحرمان - که از مقدمات عفاف است - دستور می‌دهد (نور، ۳۱).

۳-۲-۵-۲. **بصیرت سیاسی و اجتماعی:** در حوزه حقوق و مسئولیت‌ها خواهد آمد که مشارکت سیاسی یک حق و بلکه یک تکلیف برای زنان مسلمان است. بی‌تردید حضور درست و مفید در عرصه سیاسی مستلزم بصیرت و اطلاع دقیق از احوال جامعه مسلمین است.

۳-۲-۵-۳. **امر به معروف و اهتمام به امور اجتماعی:** قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر را از اوصاف مردان و زنان با ایمان دانسته است (توبه، ۷۱). اگرچه انجام چنین وظیفه‌ای از خانواده آغاز می‌شود؛ اما بدان محصور نبوده مستلزم حضور و آگاهی اجتماعی است.

۳-۲-۵-۴. **حضور مجاهدانه در دفاع از اسلام:** پشتیبانی از اسلام و دفاع از جامعه اسلامی وظیفه هر مسلمانی است. هرچند فقیهان، زنان را از شرکت در جهاد ابتدایی معاف دانسته‌اند، جهاد دفاعی را از واجبات کفایی برای هر شخص توانایی، اعم از مرد و زن برشمرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۰: ۳۸۳). تاریخ صدر اسلام نیز نشان می‌دهد که زنان مؤمن به حمایت از سپاه اسلام، در جنگ‌های گوناگون حضور مؤثر داشته‌اند (واقعی، ۱۳۹۲).

۳-۲-۶. بایسته‌ها

۳-۲-۶-۱. **بازیگران:** چهره‌پردازی و لباس بازیگر نقش مثبت زن باید در سکانس‌های بیرون از خانه سنگین‌تر و متین‌تر از نماهای داخل منزل به چشم بیاید. راه رفتن، نگاه و لحن سخن او در مواجهه با بیگانگان باید کاملاً عاری از جلوه‌گری و خودنمایی باشد. او نباید نسبت به نابهنجاری‌های اجتماعی و یا جریان جهاد و دفاع بی‌اعتنا دیده شود. پیگیری اخبار سیاسی - اجتماعی روز نیز نباید از مجموع حالات و رفتار او غایب باشد.

۳-۲-۶-۲. **گفتارها:** گفتار شخصیت‌های مثبت زن در مقابل بیگانگان باید کوتاه و منحصر به ضرورت باشد. از جمله دیالوگ‌های بایسته برای آنان، توأسی به معروف و نهی از منکر است. همچنین

گفتار آنان باید نشانگر اطلاع از مسائل اجتماعی و اهتمام به حل مسئله بوده، آنان را از مسائل جهاد و دفاع بیگانه نشان ندهد.

۳-۲-۶-۳. صحنه پردازی: مکان رویارویی و مکالمه شخصیت‌های مثبت زن با مردان بیگانه نباید خلوت و غیرقابل ورود برای دیگران به نظر بیاید. همچنین وجود وسایل صحنه‌ای چون روزنامه و اینترنت در محل زندگی شخصیت مثبت تمهیدی برای توجه او به جهان بیرون از خانه است.

۳-۳. بعد حقوقی نظام شخصیت زن و بایسته‌های بازنمایی آن

۳-۳-۱. حقوق و مسئولیت‌های فردی زن

حقوق فردی در تعریفی عام، آزادی‌ها، توانایی‌ها، مصونیت‌ها و مطالباتی است که جامعه آن را برای رشد و اعتلای فرد ضروری شمرده و تضمین می‌کند؛ اما حقوق و مسئولیت‌های فردی زن به معنای خاص، در مقابل حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی او قرار می‌گیرد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۱ و ۲۱).

۳-۳-۱-۱. حق و مسئولیت حیات: در دیدگاه اسلامی، حیات موهبتی الهی است و کسی حق ندارد، آن را بدون اذن آفریدگار از خود و یا دیگری سلب کند. قرآن کریم در مقام تأکید بر ارزش حیات فرد ابناء بشر می‌فرماید: «هر کس کسی را - جز به قصاص قتل، یا [به کیفر] فسادی در زمین - بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد.» (مائده، ۳۲) این آیه همچنین به مطلق نبودن حق حیات اشاره دارد. در نظام حقوقی اسلام «قصاص نفس» و «اجرای حدود» از جمله مجوزهای سلب حق حیات از دیگران است.

۳-۳-۱-۲. آزادی اندیشه و باور: اسلام که دینی فطری و عقلانی است، بر حق آزادی اندیشه صحنه گذارده، مردمان را به اندیشیدن در آفاق و انفس نیز تشویق کرده است. علامه جعفری دستورات اکید خداوند به اندیشه بدون تعیین محتوا و چارچوب را دلیلی بر آزادی اندیشه می‌داند (جعفری، ۱۳۷۳: ۳۷۳). اسلام همچنین با هرگونه جبر و فشار در جهت تغییر باور انسان‌ها مخالف است و اساساً آن را غیرممکن می‌داند (بقره، ۲۵۶). اگرچه انسان‌ها در اندیشه و ابراز آن آزادند^۹ و کسی نمی‌تواند آنان را

^۹ آزادی ابراز اندیشه یا آزادی بیان از لوازم تفکیک‌ناپذیر حق آزادی اندیشه است و اتخاذ رأی صواب جز در تضارب آراء ممکن نیست. تاریخ زندگی ائمه اطهار (ع) نیز نشان‌دهنده سعه‌صدر آنان در برابر نظرات مخالفان است.

به خاطر عقایدشان تحت فشار قرار دهد؛ اما خود آنان نیز باید این موهبت را پاس دارند و اجازه ندهند که جهل و تعصب پای عقلشان را ببندد. بر اهل هدایت نیز فرض است که با بحث و مجادله نیکو، صاحبان عقاید فاسد را به باور صحیح و منطقی رهنمون شوند.

۲-۳-۳. بایسته‌ها

۱-۲-۳-۳. **بازیگران:** کنش‌های خشونت‌آمیز رسانه‌ای با افزایش میزان خشونت در رفتار مخاطبان کودک و بزرگسال، سلامت عمومی جامعه را به مخاطره می‌اندازند (Huesmann, 2007). از آنجا که ترویج خشونت تهدیدی علیه حق حیات آدمیان و آزادی‌های آنان به‌شمار می‌آید، بایسته است که فیلم‌سازان حتی‌الامکان از طراحی رفتارهای خشونت‌بار برای شخصیت‌ها دوری کرده، در صورت امکان به حداقل‌ها بسنده کنند.

رفتار بازیگران نباید تعدی به جان آدمیان را آسان بنمایاند. واکنش شدید بازیگران مثبت و یا نسیبی فیلم به طرح نقشه یک قتل و نیز گرفتاری شخصیت‌های منفی و پریشانی روزگارشان در پی یک جنایت از جمله راه‌های تأکید بر حرمت خون آدمی است.

چنان‌که گذشت، از منظر اسلامی حق حیات امری مطلق نیست و شارع حکیم در مواردی، جواز و حتی وجوب قتل مجرمان را مقرر کرده است. بنابراین کنش‌های دراماتیک نباید به تقبیح حق قصاص و مطلق اعدام شخصیت‌های داستان منجر شود.

رفتار بازیگران نباید خودکشی را حقی فردی و طبیعی وانمود کند؛ چرا که روی دیگر حق حیات، مسئولیت الهی فرد در حفظ آن است. همچنین، براساس تعالیم اسلامی سقط جنین عملی نامشروع است و تنها در شرایطی خاص جواز می‌یابد، بنابراین سقط جنین نباید حقی مطلق برای شخصیت‌های زن تلقی شود.

شخصیت‌های مثبت و به‌ویژه قهرمان نباید از بحث و مناظره گریزان باشند و بر عقاید خویش متعصبانه اصرار بورزند. برخورد آنها با عقاید مخالف نیز، نباید خشن و قهرآمیز و یا بی‌اعتنا و پلورالیستی باشد. برای آنان هدایت گمراهان از طریق گفتگو و بحث منطقی و حتی استمالت عاطفی باید مهم باشد.

۲-۳-۲-۳. **گفتارها:** بزرگداشت مقام انسان و ارزش فرصت حیات، عظمت گناه انتحار و تعدی عدوانی به جان غیر، عقلانی بودن حق قصاص و غیر انسانی بودن سقط جنین از جمله مفاهیم مهمی

هستند که نباید از کلام بازیگران نقش مثبت در ظرف مقتضی اش غایب باشد. همچنین اندیشه آزاد از تعصب و نیز مسئولیت آدمی در برابر معتقداتش باید به عنوان مفاهیمی بدیهی در گفتار آنان نمود یابد.

۳-۳-۳. حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی زن

حقوق خانوادگی زنان و مردان در اسلام برابر، اما به ملاحظه تفاوت‌های طبیعی و لزوم ایفای نقش‌های متناسب غیرمشابه است. قرآن کریم با اشاره به دو سویه بودن حقوق و تکالیف در زندگی زناشویی می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و برای زنان حقوقی شایسته است همانند وظیفه‌ای که بر عهده آنهاست. (بقره، ۲۲۸)

۱-۳-۳-۳. **انتخاب همسر:** در شریعت اسلامی، انتخاب همسر از حقوق غیرقابل انکار هر مرد و زنی به‌شمار آمده و بی‌رضایت هر یک از طرفین عقد از اساس باطل است (خمینی، ۱۳۸۳).

۲-۳-۳-۳. **مدیریت مرد در خانواده:** خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و طبعاً نیازمند رهبری واحد است. آیه ۳۴ سوره نساء مدیریت و سرپرستی خانواده را به جهت ویژگی‌های تکوینی بر عهده مرد می‌داند. آیه مذکور در مقام بیان روابط خانوادگی میان زن و شوهر است و چنین نیست که جنس زن را مطلقاً تحت سرپرستی جنس مرد بداند (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۳۹۳). دیگر اینکه مرد نمی‌تواند به بهانه این مدیریت، زن را از خروج متعارفش از منزل محروم کند (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

۳-۳-۳-۳. **مهر، نفقه و ارث:** در شریعت اسلامی برای صحت عقد ازدواج شرط است که مرد مالی را به‌عنوان مهر به زن بدهد و یا بر ذمه بپذیرد (محقق حلی، ۱۳۸۴: ۵۶۱). همچنین مرد موظف است مخارج همسرش را در حد متعارف و با رعایت شأن وی تأمین کند. نفقه همسر در هر حال واجب، و بر سایر موارد نفقه مقدم است (محقق حلی، ۱۳۸۴: ۵۸۵). بنابراین زن حتی اگر ثروت فراوانی هم داشته باشد، در زمینه تأمین مخارج خود و فرزندانش مسئولیتی ندارد.

از آنچه ذکر شد، حکمت، بهره کمتر زنان از میراث دانسته می‌شود. در واقع آنچه از مهر و میراث به زن تعلق می‌گیرد، پس‌انداز او قرار می‌گیرد، در حالی که سهم‌الارث مرد، در مخارج زندگی خود، همسر و فرزندانش صرف می‌شود.

۴-۳-۳-۳. **جدایی و طلاق:** اگرچه در اسلام حق طلاق در بادی امر منحصر در اراده مرد است؛ اما با اقامه ادله قابل دفاع زن در دادگاه، از سوی زن نیز قابل پیگیری است. همچنین، در جایی که زن از مرد

ناراضی و منزجر باشد می‌تواند با بخشیدن مهر، خود را مطلقه سازد (اسدعلیزاده، ۱۳۸۴: ۶۰). به علاوه، در فقه اسلامی آمده است که زن می‌تواند ضمن عقد، شرط نماید که از جانب مرد برای اجرای طلاق و کیل باشد (خمینی، ۱۳۸۳).

۳-۳-۳-۵. چندهمسری: تک همسری طبیعی‌ترین شکل زناشویی است (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۹۹)، اما از آنجا که میزان مرگ و میر در جنس مذکر غالباً به میزان قابل توجهی بالاتر از جنس زن است، تک-همسری معادل نادیده گرفتن حق تاهل عده کثیری از زنان است. آموزه‌های اسلامی ضمن حکم به جواز چندهمسری برای مردان، آن را به استطاعت مالی و غریزی، و رعایت اصل عدالت محدود کرده است (نک: مطهری، ۱۳۹۰).

۳-۳-۳-۶. ازدواج موقت: اصل در ازدواج، دائم بودن است که بنیان خانواده را فراهم می‌آورد؛ اما نمی‌توان از شرایط ویژه کسانی که به هر دلیل از چنین امکانی بی‌بهره‌اند نیز چشم پوشید. ازدواج موقت راهکار اسلام برای شرایط ویژه مردان و زنان محروم از ازدواج دائم است که ضمن رفع نیازهای روحی و جسمی آنان، روابطشان را محدود و ضابطه‌مند کرده، امنیت خانواده‌ها را نیز تأمین می‌کند (نک: مطهری، ۱۳۹۰).

۳-۳-۳-۷. حضانت و ولایت بر کودک: در صورت جدایی زوجین و اختلاف بر سر عهده‌داری حضانت کودک، اولویت با مادر است. مشهور شیعه بر آن است که پایان اولویت حضانت مادر بر پسر، دوسالگی و بر دختر، هفت سالگی است و در فرض ازدواج مجدد ساقط خواهد شد (بندرچی، ۱۳۸۳: ۱۳۴). این اولویت طبعاً با فوت هر کدام از والدین از میان رفته و حضانت برای دیگری متعین می‌شود (ماده ۱۷۱ قانون مدنی). بحث ولایت نیز مربوط به نظارت بر نفس و اموال کودک است و به اتفاق مذاهب از آن پدر و جد پدری است (مه‌ریزی، ۱۳۷۷: ۲۰).

۳-۳-۴. بایسته‌ها

بحث‌های حقوقی خانواده نباید به عنوان قوانینی بی‌منطق و در تضاد با عواطف شخصیت‌های زن جلوه کند. موضوعاتی چون چندهمسری مرد، حضانت و ولایت بر کودک، و نیز بحث مدیریت مرد، از جمله مسائلی هستند که در صورت بی‌اطلاعی و شتابزدگی، احتمال درغلتیدن به ناروانمایی در آنها وجود دارد. بهره کمتر زن از میراث نیز باید در موازنه با مهر و نفقه تعریف و ارائه شود. سوءاستفاده

مردان متأهل از امکان قانونی ازدواج موقت نیز نباید به عنوان حقی طبیعی برای آنان بازنمایی شود و اصل این ازدواج نباید قانونی علیه حقوق زنان قلمداد شود؛ چراکه این قانون آنچنان که گذشت، راهکار اسلام برای شرایط ویژه مردان و زنان محروم از ازدواج دائم است و نیازهای آنان را به یکسان برآورده می کند.

۱-۴-۳. **بازیگران:** رفتار بازیگران نباید القاکننده بی‌اختیاری دختر در امر ازدواج به عنوان یک هنجار باشد. مخالفت بی‌منطق پدر نباید به عنوان مانعی شرعی برای ازدواج دختر به‌شمار آید. همچنین رفتار شخصیت غیرمنفی مرد نباید موهم مالکیت او بر زن باشد. شخصیت زن نیز نباید خود را اسیر مرد بداخلاق و ناسازگار بداند؛ چراکه موضوع طلاق با اقامه ادله قابل دفاع زن در دادگاه، از سوی زن نیز قابل پیگیری است.

رفتار شخصیت‌های غیرمنفی زن نباید اقتدار، استقلال و مدیریت مردان در خانواده را مخدوش کند. شخصیت غیرمنفی مرد نیز نباید به بهانه مدیریت بر خانواده، زن را از خروج منطقی و متعارف از منزل محروم کند، به گونه‌ای که این مطلب توجیهی شرعی و حقوقی را به همراه داشته باشد. او همچنین نباید نفقه دادن به همسر را امتیازی برای خود بداند؛ چون این کار انجام وظیفه‌ای شرعی و قانونی است.

رفتار شخصیت غیرمنفی زن نباید حاکی از علاقه همزمان به دو مرد و یا بیشتر باشد. همچنین او نباید ازدواج مجدد شوهر را تعدی به حقوق خود وانمود کند.

۱-۴-۳. **گفتارها:** دیالوگ‌ها می‌توانند یک واقعیت حقوقی را تلخ و ناعادلانه جلوه دهند. شخصیت «نقی» در سریال «پایتخت ۴» خطاب به همسرش «هما» که اصرار دارد نقی به جای رفتن به مهمانی دیگر، با او به مراسم افطاری شورای شهر برود، می‌گوید: «من شرعاً، قانوناً، عرفاً، می‌تونم بگم که کجا بریم کجا نریم، پس دارم لطف می‌کنم که اجازه می‌دم خودتم بری!» این دیالوگ تصریحی به حق شرعی مدیریت خانواده است؛ اما به قرینه اشتباه بودن تصمیم نقی، عملاً در جهت تضعیف این حق برای مرد و گزاف بودن چنین قانونی قرائت می‌شود.

۳-۳-۵. حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زن

۱-۳-۵-۳. **استقلال مالی:** از دیدگاه اسلامی زنان نیز چون مردان از حق مالکیت و تصرف در اموال خویشتن، بدون نظارت و قیمومیت کسی بهره‌مند هستند (نک: نساء، ۳۲). اسلام از سویی استقلال اقتصادی

زن را به رسمیت شناخته و از دیگر سو، هرگونه مسئولیت اقتصادی در خانواده را از دوش او برداشته است (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۲۱-۲۲۰).

۲-۳-۵-۳. دیه و حق قصاص: فقه اسلامی در موارد قتل، دیه زن را نصف دیه مرد، و در تلف عضو و جراحات، تا زمانی که به یک سوم دیه نرسیده باشد، آن را برابر می‌داند (شفیعی، ۱۳۷۸: ۷۱-۷۰)؛ همچنین نفس در برابر نفس قصاص می‌شود و مرد و یا زن بودن قاتل و مقتول در اصل قصاص تفاوتی ایجاد نمی‌کند (شفیعی، ۱۳۷۸: ۶۶-۶۷). نصف بودن دیه زن تابع ارزش نوعی اقتصادی بدن او در برابر بدن مرد است و نه ارزش انسانی او؛ ارزش حقیقی انسان به علم و تقوای اوست و در این جهت مرد و زن یکسانند (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۴۲۱).

۳-۳-۵-۳. مشارکت سیاسی و اجتماعی: از دیدگاه قرآن، زنان همانند مردان بی‌هیچ تفاوتی، می‌توانند در سرنوشت سیاسی جامعه خویش دخیل باشند. آیات مربوط به داستان ملکه سبا، آیه ۱۲ سوره ممتحنه و آیه ۳۸ سوره شوری از جمله ادله این مدعا به‌شمار می‌روند (حسینی، ۱۳۸۰).

۳-۳-۶. بایسته‌ها

۳-۳-۶-۱. بازیگران و گفتارها: «استقلال مالی» زن در رفتار بازیگران باید به رسمیت شناخته شود. شخصیت زن نباید برای تصرف در اموال شخصی‌اش از سوی پدر و یا شوهر غیرمنفی دچار محدودیت و اعمال سلیقه باشد. بعد کمی «دیه» زن در رفتار و گفتار بازیگران نباید برجسته شود. در بحث «قصاص» مرد در برابر کشتن یک زن نیز، پرداختن به اصل امکان این قصاص اهمیت بیشتری دارد و نباید بر موضوع سوءتفاهم برانگیز رد فاضل دیه تأکید شود. مشارکت در «سرنوشت سیاسی» جامعه نیز از جمله کنش‌هایی است که باید در ظرف مقتضی داستان، در شخصیت مثبت و یا قهرمان زن به چشم بیاید.

۳-۳-۶-۲. تصویربرداری: استفاده از زوایه سرپایین دوربین برای به تصویر کشیدن زنان، به‌ویژه در سکانس‌هایی با زمینه حقوقی، نباید بر سایر زوایا غلبه داشته باشد. همچنین ارائه نماهای دور می‌تواند در چنین فضاهایی به تحقیر زنانگی و القای حس نابرابری حقوقی زن و مرد بینجامد. نکته شایان توجه آنکه در سریال‌های تلویزیونی، نباید شبهه‌ای حقوقی در یک قسمت و پاسخ آن در قسمت‌های بعدی طرح شود؛ چراکه ممکن است با از دست رفتن قسمت مورد نظر از سوی مخاطب، اثر آن شبهه که غالباً با فنون دراماتیک بسیار عمیق‌تر نیز می‌شود، در ذهن او باقی بماند.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

بازنمایی به مفهوم نظامی از معانی برساخته در فرهنگ اجتماعی و قابل سنجش نبودن آن با چیزی ورای این معانی، از منظر اسلامی قابل نقد است. از این منظر، واقعیات نفس الامری (حقایق) اصالت دارند و برای مؤلف قابل دستیابی اند و مقصود او نیز برای مخاطبان قابل دریافت است. همچنین حقیقت اعم از واقعیات خارجی و امور اعتباری بوده، بایدها و نبایدها را هم شامل می شود. طبق این نگاه، بازنمایی درست رسانه ای مستلزم پیوند مؤلف و متن او با حقیقت، و التزام به «هست‌ها» و «بایدها»ی قابل دریافت از کتاب و سنت است. در موضوع تولید آثار نمایشی نیز، بایسته های حرفه ای بازنمایی شخصیت زن با مراجعه به متون دینی و تأمل در رمزهای نشانه شناختی و اقتضائات فنی درام قابل استنباط است. پژوهش این بایسته ها در سه بعد توصیفی، ارزشی و حقوقی و در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی ما را به گزاره هایی رهنمون می شود که می توانند به مثابه الگویی هنجاری برای بازنمایی اصیل شخصیت زن در تولید و نقد آثار نمایشی تصویری به شمار آید. مهم ترین این گزاره ها را در قالب عناوینی به اختصار چنین می توان عرضه کرد:

۷۵

حوزه/ نظام	توصیف تکوین	ارزش ها و اخلاق	حقوق و مسئولیت ها
فرد	۱. پرهیز از تبدیل شخصیت های زن به کالای جنسی ۲. پرهیز شخصیت های غیرمنفی زن از رفتار و گفتار غیرعقلانی مگر در مواردی خاص ۳. محدود نبودن رفتار شخصی آنها به آرایش و مدیریت بدن ۴. محدود نبودن وسایل اتاق آنها به لوازم آرایش و مدیریت بدن ۵. پرهیز از فرونی نماهای سرپایین از آنها ۶. پرهیز از نمایش ظاهر، نیرو و روحیه مردانه برای آنها ۷. عاری بودن گفتار شخصیت های غیرمنفی از انکار تفاوت های تکوینی زن و مرد	۱. گفتار شخصیت مثبت و به ویژه قهرمان زن حائز نشانه های علم و ایمان ۲. توجه او به انجام واجبات و ترک محرمات ۳. مطالعه کتاب توسط او و ارتباطش با مراکز آموزشی (حوزه یا دانشگاه) ۴. مکان و وسایل زندگی او به دور از تجمل و حاوی نشانه های ایمان و علم و متعلقات عبادت و تحصیل	۱. پرهیز شخصیت های غیرمنفی از رفتار و گفتار موهن حرمت قتل نفس ۲. پرهیز آنها از رفتار و گفتار ملامتگر قصاص نفس و اجرای حدود ۳. پرهیز آنها از رفتار و گفتار موهم حق مطلق بودن سقط جنین برای زن ۴. رفتار و گفتار توأم با سعه صدر و آزاداندیشی شخصیت مثبت و یا قهرمان زن ۵. اهتمام او به اصلاح عقاید نادرست اطرافیان

حوزه/ نظام	توصیف تکوین	ارزش‌ها و اخلاق	حقوق و مسئولیت‌ها
خانواده	<p>۸. محدود نبودن رفتار شخصیت زن به فرزندپروری و خدمت به مردان</p> <p>۹. پرهیز شخصیت‌ها از رفتار و گفتار دال بر برتری جنس مذکر یا مؤنث بر دیگری، در صورتی که این امر به گونه‌ای تفسیر نشود</p>	<p>۵. رفتار همراه با تکریم خانواده با او</p> <p>۶. مهریابی و خودآرایی او برای شوهر</p> <p>۷. التزام او به رضایت همسر</p> <p>۸. یاری و همراهی او برای شوهر</p> <p>۹. انجام امور داخلی منزل توسط او به عنوان یک انتخاب</p> <p>۱۰. قانع و کم‌هزینه بودن او</p> <p>۱۱. پرهیز او از موضع‌گیری مقابل ازدواج مجدد شوهر</p> <p>۱۲. طراحی دکور با نشاط برای خانه او</p> <p>۱۳. پرهیز شخصیت‌های غیرمنفی از تحقیر فرزندآوری و اهتمام به تربیت کودک</p> <p>۱۴. پرهیز از قاب‌بندی‌های موهم گرفتاری زن در خانه و در کارهای منزل</p> <p>۱۵. پرهیز از تأکید بر زیبایی شخصیت‌های زن در انتخاب و چهره‌پردازی بازیگران</p>	<p>۶. پرهیز شخصیت‌های غیرمنفی از رفتار و گفتار دال بر بی‌اختیاری زن در ازدواج</p> <p>۷. پرهیز آنها از رفتار و گفتار حاکی از اسارت زن در بند مرد</p> <p>۸. پرهیز شخصیت غیرمنفی زن از رفتار و گفتاری که اقتدار و مدیریت مرد را در خانواده به چالش بکشد</p> <p>۹. پرهیز شخصیت‌ها از رفتار موهم شرعی بودن منع مرد از مطلق خروج زن از منزل</p> <p>۱۰. پرهیز آنها از تحقیر شخصیت زن به هنگام دریافت نفقه</p> <p>۱۱. به رسمیت شناختن حق ازدواج دوباره شوهر توسط شخصیت مثبت زن</p> <p>۱۲. پرهیز شخصیت‌ها از رفتار و گفتار موهم ناعادلانه بودن حقوق خانواده (از جمله حضانت و میراث)</p> <p>۱۳. توهین ندانستن مطلق ازدواج موقت برای زن</p> <p>۱۴. عدم توجیه ازدواج موقت مردان متأهل</p>
اجتماع	<p>۱۰. پرهیز از نمایش حضور موفق شخصیت زن در مشاغل سخت</p>	<p>۱۶. چهره‌پردازی و لباس شخصیت مثبت و یا قهرمان زن موقر و مطابق شرع</p> <p>۱۷. رفتار همراه با عفاف او با مرد بیگانه و گفتار کوتاه و ضروری با نامحرم</p> <p>۱۸. خلوت نبودن مکان مواجهه او با نامحرم</p> <p>۱۹. گفتار حاکی از اطلاع او از مسائل اجتماعی</p> <p>۲۰. وجود رسانه‌هایی چون روزنامه در محل زندگی او</p> <p>۲۱. واکنش داشتن او نسبت به منکرات و اهتمام او به حل مشکلات اجتماعی</p> <p>۲۲. شرکت عندالافتضاء او در کمک به جبهه‌های نبرد</p>	<p>۱۵. پرهیز شخصیت‌ها از رفتار و گفتاری که حاکی از عدم استقلال اقتصادی زن باشد</p> <p>۱۶. پرهیز آنها از گفتاری که دال بر کم-ارزشی زن به خاطر میزان دبه او باشد</p> <p>۱۷. شرکت عندالافتضاء شخصیت مثبت زن در اعتراضات و انتخابات سیاسی</p> <p>۱۸. تعادل مجموعی ارتفاع و فاصله دوربین به هنگام طرح تعاملات حقوقی زن و مرد</p>

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۱)، ترجمه: محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۳. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۴)، تفاوت زن و مرد از منظر روان شناسی و متون دینی، معرفت، شماره ۹۷.
۴. اسدعلیزاده، اکبر (۱۳۸۴)، حق طلاق برای زنان، معارف، شماره ۲۸.
۵. اسماعیلی، رفیع الدین (۱۳۹۳)، بازنمایی الگوی شخصیت مرد و زن در سینمای ایران: ارزیابی آن بر اساس آیات و روایات، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۶. اسمینوف، گ. (۱۳۵۲)، نظریه شخصیت در جامعه‌شناسی: جامعه و شخصیت، ترجمه: عطاءاله نوریان، نگین، شماره ۱۰۵.
۷. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
۸. بندرچی، محمدرضا (۱۳۸۳)، حضانت در فقه و قانون بحثی در ماده (۱۱۶۹) قانون مدنی، فقه اهل بیت، شماره ۳۷.
۹. جعفریان، اعظم (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای هویت اجتماعی زن با تأکید بر هویت دینی در سینمای دهه هشتاد ایران، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۱۰. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۳)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۱. جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱)، هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یار احمدی، تهران، پردیس دانش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، زن در آینه جلال و جمال، قم: اسراء.
۱۳. حاتمی، محمدرضا و مذهبی، سارویه (۱۳۹۰)، رسانه و نگرش زنان به هویت جنسی خود، تحقیقات فرهنگی، شماره ۱۴.
۱۴. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۲۰، قم: آل البيت لاحیاء التراث.
۱۵. حسینی، سیدموسی (۱۳۸۰)، دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۵ و ۲۶، ویژه‌نامه زن در قرآن.
۱۶. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰)، حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۳)، رساله توضیح المسائل، قم: نیلوفرانه.
۱۸. دیک، برنارد. اف. (۱۳۹۱)، آناتومی فیلم، ترجمه: حمید احمدی لاری، تهران: ساقی.

۱۹. زیبایی نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۹)، **درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام**، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۰. شاملو، سعید (۱۳۷۴)، **مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت**، تهران: رشد.
۲۱. شفیع‌ی سروستانی، ابراهیم (۱۳۷۸)، **دیه و قصاص زنان در فقه**، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴.
۲۲. عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۰)، **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، ج ۲، قم: داوری.
۲۳. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۳۸۳)، **زن از نگاهی دیگر**، تهران: امیرکبیر.
۲۴. کلینی، ثقة‌الاسلام (۱۳۶۵)، **الکافی**، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۶. گیرو، پی‌یر (۱۳۸۰)، **نشانه‌شناسی**، ترجمه: محمد نبوی، تهران: آگاه.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ الف)، **بحار الانوار**، ج ۱، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۸. _____ (۱۴۰۴ ب)، **بحار الانوار**، ج ۲، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۹. _____ (۱۴۰۴ ج)، **بحار الانوار**، ج ۴۳، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۰. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۳۸۴)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۱، قم: استقلال.
۳۱. مشکات (میرخندان)، سیدحمید (۱۳۸۸)، **در ضمن رویکردهای انتقادی در فیلم: نقد مؤلف**، قم: دفتر عقل.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، **مجموعه آثار**، ج ۱۹، تهران: صدرا.
۳۳. مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷)، **رسانه‌ها و بازنمایی**، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۳۴. مهریزی، مهدی (۱۳۷۷)، **کودکان، حضانت و ولایت، قسمت سوم، پیام زن**، شماره ۷۵.
۳۵. میلرسون، جرالذ (۱۳۶۷)، **فن برنامه‌سازی تلویزیونی**، ترجمه: مهدی رحیمیان، تهران: سروش.
۳۶. نجفی، زین‌العابدین (۱۳۹۱)، **خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه، فقه و مبانی حقوق اسلامی**، شماره ۴۵ (۲).
۳۷. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۴، قم: آل‌البیت لاحیاء التراث.
۳۸. واعظی، احمد (۱۳۹۰)، **نظریه تفسیر متن**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۹. واقدی، محمدبن عمر (۱۳۹۲)، **مغازی**، ج ۲، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۰. ون زونن، لیزبت (۱۳۸۳)، **رویکردهای فمینیستی به رسانه‌ها**، ترجمه حسن‌زاده و رئیس‌زاده، رسانه، شماره ۵۷.

41. Fiske, John (1987); **Television Culture**, Routledge Pub.
42. Hall, Stuart (1997); **The Work of Representation**, in **Representation: Cultural Representations and signifying practices**, Sage Pub.
43. Huesmann, L. Rowell (2007); **The Impact of Electronic Media Violence: Scientific Theory and Research**, *The Journal of Adolescent Health*, 41(6), S6–S13. doi:10.1016/j.jadohealth. 2007.09. 005.
44. Mulvey, Laura (2006); **Visual Pleasure and Narrative Cinema**, in *Media and Cultural Studies*, Ed. Durham and Kellner, Blackwell Pub.
45. Tuchman, G., Daniels A. K. & Benet J. (1978); **Hearth and Home: Images of women in the mass media**, Oxford University.